

گاه شماری رومی و ادب فارسی



بقلم آقای دکتر اسمعیل حاکمی

در گاه شماری ایران بعد از اسلام گذشته از ماههای عربی گاهی از تقویم سریانی و رومی نیز نام برده شده است. همچنین گاهی در تواریخ و متون از سال یزدگردی و سال پارسیان قدیم سخن رفته است^۱. در این مقاله بحث از انواع تقویمها و تطبیق آنها بایکدیگر مراد نیست و خوانندگان ارجمند می‌توانند به کتابهای ارزنده‌ای چون آثار ابوریحان بیرونی و صبح الاعشی (القلقشندی) و گاه شماری در ایران قدیم تألیف آقای سیدحسن تقی‌زاده و تاریخ ادبیات تألیف استاد همایی و روز شماری و نظایر آنها مراجعه کنند.

در اینجا بیشتر گاه شماری سریانی و اسامی ماههای رومی در شعر و ادب فارسی مراد است ماههای رومی که حساب و تاریخهای خود را بر آن می‌نهادند دوازده ماه بود. ماه اول کانون دوم است که به رومی (ینوارس) نامیده می‌شد و اول سال آنهاست^۲. اینک اسامی ماههای رومیان: ینوارس که کانون دوم و مطابق با January فرنگی است کانون در عربی و سریانی به معنی آتشدان است و به دو ماه کانون اول و کانون دوم اطلاق شده و اصل کلمه سامی است و آن از عصر اکدی بدین دو ماه اطلاق گردیده. در زبان اکدی Kânûnu به معنی آتشدان است و به هر یک از دو ماه مذکور هم گفته شده. بدین اعتبار که در آن دو، سرمای زمستان ظاهر گردد و مردم به اضطراب در کانون (آتشدان) آتش افروزند^۳. امیر معزی و ناصر خسرو و حکیم غمناک در ابیات زیر به معنی آتشدان نظر داشته‌اند:

۱ - مانند سفرنامه ناصر خسرو.

۲ - تاریخ یعقوبی مجلد اول ترجمه دکتر آیتی، ص ۱۹۲.

۳ - معجمات عربیه، سامیه ص ۲۰۳، برهان قاطع ج ۳ حواشی آقای دکتر محمد معین.

گلبنی بر روید اکنون در میانِ خانه‌ها بیخ او در منقل و کانون و شاخ اندر اثر^۱



بسان بستکده شد باغ و راغ کانون گشت در آن ز نور تصاویر و اندرین از نار^۲



گر نه هوا خشمناک و تافته گشتست گرم چرا شد چنین چو تافته کانون^۳

در ابیات زیر از واژه کانون یکی از دو ماه کانون اول و کانون دوم اراده می‌گردد:

ابوالعباس ربیعنی شاعر دوره سامانی (قرن چهارم) گفته است:

ماه کانون است ژاژک نتوانی بستن هم از این کومک بر خشک و همی بند آن را^۴

قطران تبریزی گوید:

همیشه تامه نیشان به آید از تشرین همیشه تامه تشرین خوش آید از کانون...^۵



آذار ببرد آب رخ آذر و کانون وز درد سر دور امان داد جهان را^۶

انوری گوید:

گذشته باتو به آذر بهتر از کانون نهاده باتو هر امروز وعده فردا^۷

ابوالحسن حسین فراهانی در شرح دیوان انوری گوید:

«کانون ماه آخر پاییز رومیان و اول زمستان از سال ایشان و حینذ کانون را بر

کانون الآخر که ماه اول زمستانست حمل باید کرد... چه آذر از تاریخ ملکشاهی بعینه

کانون اول از سال رومیانست»^۸.

۱ - دیوان امیر معزی به تصحیح مرحوم عباس اقبال، ص ۲۱۹.

۲ - حکیم غمناک، نقل از لغت فرس اسدی، چاپ آقای دبیر سیاقی، ص ۱۴۲.

۳ - دیوان ناصر خسرو، ص ۳۵۴. ۴ - اشعار پراکنده، لازار، ج ۲، ص ۶۴.

۵ - دیوان قطران تبریزی به تصحیح آقای نخجوانی، ص ۳۳۲.

۶ - دیوان سلمان ساوجی به اهتمام منصور مشفق، ص ۲۵۷.

۷ - دیوان انوری ص ۱۸ به تصحیح آقای مدرس رضوی (ج اول قصائد).

۸ - شرح دیوان انوری. فراهانی به تصحیح آقای مدرس رضوی، ص ۵۹.

امیر معزی به هر دو معنی این واژه : آتشدان و ماه کانون توجه داشته و در قصیده‌ای گفته است :

سریر نیکخواهانت چو بوستان باد در نیسان صمیر بدسگالانت چو کانون باد در کانون^۱
 ماه دوم : شباط (= یلیاس) که ماه آخر زمستان و همچنین پنجمین ماه سال
 سریانی است . این نام از اسم یازدهمین ماه سال یهودیان (Shebāt) که تقریباً بر آن
 منطبق است اخذ شده و موافق با ماه February فرنگی است .

میرزا مهدی خان منشی استرآبادی آورده :

«واسباط شباط به سیاط سطوات نیسان ، نی سان بر خود بلرزید ...»^۲

ماه سوم : نرلس که آذر (ظ : آذار) است . آذار ، باذال نقطه دار بروزن بازار
 نام ماه اول بهار است از سال رومیان و بودن آفتاب در بُرج حوت^۳ و نیز ششمین ماه از
 ماههای سریانی که عرب آنها را (شهور الروم) نامد (موافق با March) .

منوچهری دامغانی در قصیده‌ای گوید :

ابر آذاری بر آمد از کنار کوهسار باد فروردین بچُنَیید از میانِ مرغزار^۴

نیز در مُسمّطی گفته :

وین پرّ نگارینش بدو باز نبندند تا آذر مه بگذرد و آید آذار^۵

فخرالدین گرگانی گوید :

منم آذار و تو نوروز خرّم هر آینه بود این هر دو باهم^۶

۱ - دیوان اسیر معزی ، ص ۶۳۲ (به تصحیح شادروان عباس اقبال) .

۲ - دره نادره به تصحیح آقای دکتر شهیدی ص ۵۷۶ .

۳ - ترجمه تاریخ یعقوبی ج ۱ ، حاشیه برهان قاطع ، ج ۱ ، ص ۲۲ .

۴ - حاشیه برهان قاطع ج ۱ ، ص ۲۲ .

۵ - دیوان منوچهری ، چاپ آقای دبیر سیاقی ص ۲۷ .

۶ - ایضاً دیوان منوچهری ص ۱۴۷ .

۷ - ویس و رامین فخرالدین گرگانی نقل از لغت نامه دهخدا (آ - ابوسعبد)

و این بیت فخرالدین گرگانی می‌رساند که آزار آخر زمستان و نزدیک به نوروز ایرانی بوده است. سعدی در قصیده‌ای گوید:

این هنوز اول آزار جهان افروز است باش تا خیمه زند دولت نیشان و ایار^۱
و حافظ گوید:

ابر آذاری بر آمد باد نوروزی وزید وجه می می‌خواهم و مطرب که می‌گوید رسید^۲
ماه چهارم: ابرلس که نیشان است، در عربی بفتح اول، ماه هفتم از تقویم سریانی این نام مستعار از نام ماه اول سال مذهبی یهود و هفتمین ماه سال عرفی است که تقریباً از حیث زمان بر آن منطبق است. این ماه مطابق ماه آوریل سال رومی و مانند همان دارای سی روز است.^۳

قدما معتقد بودند که در ماه نیشان قطره‌های باران در کام صدف فرو می‌چکد و به مروارید بدل می‌گردد^۴. شیخ محمود شبستری شاعر و عارف قرن هفتم در بیان همین تصور گوید:

شنیدم من که اندر ماه نیشان صدف بالا رود از قعر عُثمان
ز شیب قعر بحر آید به افراز به روی بحر بنشیند دهن باز
بخاری مرتفع گردد ز دریا فرو بارد به امر حق تعالی
چکد اندر دهانش قطره‌ای چند شود بسته دهان او به صد بند
رود در قعر دریا با دل پُر شود آن قطره باران یکی دُر...^۵

شیخ سعدی نیز در باب چهارم بوستان (در تواضع) به همین عقیده اشارتی دارد:

یکی قطره باران ز ابری چکید خجل شد چوپهنای دریا بدید

۱ - کلیات سعدی، چاپ علمی، ص ۴۴۴. ۲ - دیوان حافظ، چاپ قزوینی، ص ۱۶۲.

۳ - برهان قاطع به تصحیح آقای دکتر معین ج ۴، حواشی ص ۲۲۲۷.

۴ - اشتینگاس ص ۱۴۴۲ (چاپ چهارم).

۵ - شرح گلشن راز با مقدمه آقای کیوان سمیعی ص ۷۵۰.

که جایی که دریاست من کیستم؟ گراوهست حقاً که من نیستم
چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید
سپهرش به جایی رسانید کار که شد نامور لؤلؤ شاهوار...^۱

استاد فروزانفر نوشته‌اند: «برخی از پیشینیان گمان می‌کرده‌اند که اصل مروارید قطره‌های باران است که صدف‌دهان گشاده و آنها را در درون خود جای داده به مروارید تبدیل می‌کند و شیخ سعدی این قطعه را (یکی قطره باران ز ابری چکید) از روی همین افسانه ساخته...»^۲.

ابن ندیم گوید: «مانویان گویند: روزی که شاپور پسر اردشیر به تخت نشست او بروی درآمده و تاج را بر سرش گذاشت و آن روز یکشنبه اول ماه نisan و آفتاب در برج حمل بود...»^۳. از این بیان چنین برمی‌آید که این نisan - که مُسَلِّماً نisan سریانی است - در ماه حمل بوده و بانيسان رومیان که ماه هفتم آنان و مطابق با تحویل آفتاب به برج حمل است یکی می‌باشد:

منم آزار و تو نوروز خرم هر آینه بود این هر دو باهم^۴
رودکی سمرقندی گوید:

مه نisan شیبخون کرد گویی بر مه کانون

که گردون گشت از و پرگرد و صحرا گشت از و پر خون^۵

خاقانی گفته است:

خویشتن هم نام خاقانی شمارند از سخن پارگین را ابر نisanی شناسند از سخا^۶
و انوری گوید:

۱ - کلیات سعدی، چاپ علمی ص ۳۰۹. ۲ - خلاصه مثنوی استاد فروزانفر ص ۷۳.

۳ - ترجمه الفهرست ابن ندیم، آقای تجدد ص ۵۸۳.

۴ - ویس و رامین به تصحیح استاد مینوی ص ۳۵۹.

۵ - دیوان رودکی، چاپ مسکو، ص ۴۴۲.

۶ - دیوان خاقانی، چاپ آقای دکتر ضیاءالدین سجادی ص ۱۹.

ژاله سپر برف ببرد از کتف کوه چون رستم نیسان به خم آورد کمان را^۱
 سال بابلی در ازمنه تاریخی همیشه از ماه نیسان شروع می شده نه از ماه ایار و اوّل
 سال بابلی اگرچه در قرون قدیمه گاهی تا فاصله معتدّ بهی قبل از اعتدال ربیعی می افتاده
 ولی از قرن ششم قبل از مسیح به این طرف ظاهراً هیچ وقت بیش از سه چهار روز قبل و
 بیش از سی روز بعد از اعتدال ربیعی واقع نمی شده و بین ۲۴ مارس و ۲۵ آوریل می افتاد.^۲
 ماه پنجم: مایس که ایار باشد و آن نام ماه سوم بهار است از ماه رومیان و موافق
 با ماه May فرنگی. سعدی گوید:

این هنوز اوّل آزار جهان افروز است باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار^۳
 ماه ششم: یولس که حزیران باشد و آن ماه اوّل تابستان و مصادف است با سرطان
 و موافق با June فرنگی^۴. منوچهری گوید:
 به روزگار زمستان کُندت سیمگری به روزگار حزیران کندت خشت پزی^۵
 انوری گفته است:

ساحت آفاق را اکنون که فراش سپهر از حزیران صدره گسترد از تموز و آب بخ^۶...
 ماه هفتم: اغسطس که تموز باشد. تموز باشد. تموز در زبان بابلی خدای بهار
 بود و او یار و یاشوهر Nanâ الهه توالد و تناسل محسوب می شد و همین نام است که در جزو
 ماههای سریانی آمده. این ماه موافق با July فرنگی است. حکیم ابوالقاسم فردوسی گوید:
 بختید تموز با سرخ سبب همی کرد با بار و برگش عتیب^۷
 فرّخی سیستانی گوید:

خنک آن باغ که در سایه آن ابر بود گلبن او نه عجب گر به تموز آرد بر^۸

- ۱ - دیوان انوری ص ۹.
- ۲ - گاه شماری آقای تقی زاده ص ۲۷۰.
- ۳ - کلیات سعدی، چاپ علمی، ص ۴۴۴.
- ۴ - ترجمه تاریخ یعقوبی ج ۱ - اشتهینگاس (حزیران).
- ۵ - دیوان منوچهری ص ۱۳۷.
- ۶ - دیوان انوری ج ۲، ص ۵۸۲.
- ۷ - شاهنامه، چاپ بروخیم، ج ۸، ص ۲۵۶۶.
- ۸ - دیوان فرخی، چاپ آقای دبیرسیاقی، ص ۱۵۵.

امیر معزی در قصیده‌ای گفته :

در تموزو در زمستان مختلف بایکدگر متفق با یکدگر در مهرگان و در بهار^۱

مولانا جلال‌الدین در مثنوی گوید :

در تموز گرم می‌بینند دی در شُعاع شمس می‌بینند فی^۲

سعدی در گلستان گوید :

عمر برفست و آفتاب تموز اندکی ماند و خواجه غره هنوز^۳

نیز در باب پنجم گلستان گفته است :

« یاد دارم که در ایام جوانی گذرداشتم به کوی و نظر بارویی در تموزی که حرورش
دهان بخوشانیدی و سمومش مغز استخوان بخوشانیدی از ضعف بشریت تاب آفتاب هجیر
نیاوردم و التجا به سایه دیواری کردم مترقب که کسی حرّ تموز از من ببرد ... »^۴

ماه هشتم : سنبرس که آب و ماه سوم تابستان است و غره آن به گفته مورخان
قدیم باسلخ مرداد یا غره شهریور مطابق است ... و بعضی گفته‌اند مطابق عقرب و سبب
اختلاف اقوال ظاهراً اختلاف حسابهای نجومی در اعصار مختلفه است . در تقویم فرنگی
موافق است با ماه August اثیرالدین اخسیکتی گوید :

بسوزد به شب خرمین ماه را و سموم نهیب تو در ماه آب^۵

انوری گرید :

ساحت آفاق را اکنون که فراش صبا از حزیران فرش گسترد از تموز و آب بخ^۶

مهدی‌خان منشی گوید : « و شمشیر هلال مانندش ، در آب داری ، ماه آب ... »^۷

۱ - دیوان اسیر معزی ص ۳۶۳ . ۲ - مثنوی نیکلسن دفتر دوم ص ۲۵۷ .

۳ - گلستان سعدی ، چاپ آقای دکتر مشکور ص ۶ .

۴ - گلستان چاپ مرحوم قریب ص ۱۴۴ . ۵ - لغت نامه (آ - ابو سعد) .

۶ - نقل از لغت نامه دهخدا (آ - ابو سعد) ص ۱۵ .

۷ - دیوان انوری ج ۲ ، ص ۵۸۲ .

۸ - دره نادره به تصحیح آقای دکتر شهیدی ص ۳۶ .

خاقانی شروانی گوید :

مُعْجَزِ خَاقَانِي اسْتِ مَدْحِ تُو تَا دَر جِهَانِ صَبِيحِ بَرْدِ آبِ مَاهِ مِيُوَهِ پَزْدِ مَاهِ آبِ^۱
 ماه نهم : اقطبرس که ایلول باشد . این ماه مطابق با ماه دوازدهم سریانی و موافق است
 با October فرنگی . ولی صاحب (القاموس العصری) آن را موافق با ماه سپتامبر می داند .
 میرزا مهدی خان نویسد :

« به مقتضای فصل ایلول و تشرین آب و رنگ نسترن و نسرين مانند خزانۀ عتاتِ
 باغی از باغ و راغ به تاراج خزان درآمد »^۲ .

ماه های دهم و یازدهم : نوامبرس یعنی تشرین اول و اکبرس یعنی تشرین دوم که
 بین ایلول و کانون اول واقع اند و موافق اند با ماه های october و November فرنگی
 ناصر خسرو گفته است :

طبع تشرین به چه ماند به مه نیشان گرچه در سال یکی باشد با تشرین^۳
 و امیر معزی گوید :

چو لعل فام شود همچو ابر در نیشان رُخِ حَسُودِ كِنْدِ هَمْچُو بَرَكِ دَر تَشْرِيْنِ^۴
 ماه دوازدهم کانون اول که موافق است با ماه Decembre^۵ فرنگی .

این نام از عصر اکدی اطلاق شده و در کتیبه های پالمیر هم به یکی از ماه های سال
 اطلاق گردیده و آن مطابق با Marhešwān بود . بعدها کانون نام دوم ماه سریانی گردید^۶ .
 ابوریحان بیرونی در التفهیم نویسد : « جشن میلاد . شب زادن عیسی بن مریم است
 - علیه السلام - و بیست و پنجم است از کانون الاول »^۷ .

۱ - دیوان خاقانی به تصحیح آقای دکتر ضیاءالدین سجادی ص ۴۹ .

۲ - دره نادره ص ۵۷۷ . ۳ - دیوان ناصر خسرو ص ۳۴۲ .

۴ - دیوان امیر معزی ص ۵۰۵ . ۵ - اشتینگاس (کانون) .

۶ - فرهنگ فارسی آقای دکتر معین ج ۳ ، ص ۲۸۷۵ .

۷ - التفهیم ابوریحان بیرونی ص ۲۴۷ .

سه ماه آذار، نيسان، ايار فصل ربيع (بهار) و سه ماه حزيران، تموز، آب صيف (تابستان) و ماههای ايلول و تشرین اول و تشرین ثاني خريف (پاییز) و سه ماه: کانون اول، کانون ثاني و شُباط شتاء (زمستان) می باشد. سه روز آخر شُباط و چهار روز از آذار را ایّام العجوز می نامند. از میان این ماهها شُباط دارای ۲۸ روز و نيسان و حزيران و ايلول و تشرین ثاني دارای ۳۰ روز و سایر ماهها دارای ۳۱ روز هستند. بقول الکیزانی:

شهور الروم الوانُ زیاداتٌ و نقصانُ
فتشرینهمُ الثانی وَ ایلُولُ و نيسانُ
ثلاثونَ ، ثلاثونَ سَوَاءٌ و حَزيرانُ
و اشباط ثمان بعد عشرین له شانُ...

اسامی ماههای روسی در دو بیت زیر آمده است:

ینیر، فبریر، مارس لیلروم - ابریل، مایه، خامسُ المعلوم
ینیه، یلیه ثمّ اغشت شتبر - اکتوبر، نونمبر دجنبر
صاحب نصاب اسامی ماههارا در دو بیت زیر جمع کرده است:
دو تشرین و دو کانون و پس آنکه شُباط و آذر و نيسان ایاراست
حزيران و تموز و آب و ايلول نگهدارش که از من یادگاراست

منابع عمده این مقاله

- ۱- تاریخ یعقوبی و ترجمه آن از مرحوم دکتر آیتی
- ۲- الفهرست ابن ندیم و ترجمه آن: (آقای تجدد)
- ۳- الاثار الباقیه ابوریحان
- ۴- التفهیم ابوریحان بیرونی
- ۵- صبح الاعشی قلقشندی
- ۶- نهاية الادب شهاب الدین النویری
- ۷- گاه شماری آقای تقی زاده
- ۸- حواشی برهان قاطع (به تصحیح آقای دکتر معین)
- ۹- Persian-English Dictionary STE in Gass

۱ - نهاية الارب شهاب الدین النویری ج ۱ ص ۱۵۹.

۲ - صبح الاعشی ج ۲، ص ۳۹۶.